

الخائنه

كانت. علي منوالها. ثلاثة تخون:
حبيبها و نفسها و بعلها المسكين
وعندما تجدج في مراتها
تري علي صفحتها خائنة العيون

زن خائن

همواره، به سه كس، خيانت مي كرد:
به معشوق اش و خودش و شوهر بي نوایش
و وقتی به آينه اش خيره مي شود
مي بيند بر آينه
خيانت کرده به چشمها

The Betrayer

She was as usual betraying three
Her lover, herself, her poor husband
When she looks in her mirror
on that she finds
She betrayed the eyes